

دکتر محمد علی اردبیلی

اشتراک لفظ دائم رهن است

اشتراک گبر و مومن در تن است

مولانا

مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات به چهار زبان: عربی، فارسی، فرانسه و انگلیسی، دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، دکتر آذرتاش آذرنوش و محمود عادل، (مترجمان بخش فارسی)، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ۱۳۷۸ ص، ۲۵۰۰ ریال

از آشنایی جامعه حقوقدانان کشورمان با تعبیرات و اصطلاحات حقوقی زبانهای بیگانه بیش از پنج دهه می گذرد. در این مدت غیر از کار گروهی واژه گزینان فرهنگستان سابق ایران^۱ که هدفی جز پیراستن زبان فارسی از لغات نامتناسب بیگانه نداشتند و گردآوری واژه‌های حقوقی به چند زبان که در مجله کانون و کلان‌خستین باز به کوشش مرحوم محمود سرشار به چاپ رسید^۲ و سه یا چهار اثر حقوقی دیگر که کار گردآوری واژه‌های حقوقی زبانهای بیگانه در تهیه واژه‌نامه کتاب فرع بر اصل مطالب بشمار می‌رود^۳، تا کنون آنچه به پشتوانه کوششهای فردی درباره لغات و اصطلاحات

۱- رجوع شود به: مجموعه قوانین سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی قسمت بخشنامه‌ها

۲- شماره‌های ۵۱ تا ۵۸ کانون و کلازا سفند ۱۳۳۵ تا فروردین ۱۳۳۷ هجری شمسی

۳- به کتابهای زیر مراجعه شود:

کی‌نیا، مهدی: علوم جنایی، جلد سوم، جامعه شناسی جنایی تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶

جعفری لنگرودی، محمد جعفر: ترمینولوژی حقوق، (بی‌تا)، (بی‌نا)

ضیائی بیگدلی، محمدرضا: حقوق بین‌الملل عمومی، (بی‌تا)، (بی‌نا)

حقوقی منتشر شده عبارت است از يك فرهنگ حقوقی فرانسه به فارسی^۱ يك فرهنگ حقوقی فارسی به فرانسه^۲ و دو فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی^۳ که هر کدام شیوه خاص در تنظیم و گردآوری لغات بکار برده اند.

در کنار این تالیفات، فرهنگهای تخصصی دیگری نیز در رشته های علوم اجتماعی، علوم اقتصادی و اداری در يك دهه اخیر انتشار یافته که هر کدام به اقتضای قرابت با بعض رشته های حقوق از آوردن پاره ای اصطلاحات و تعبیرات حقوقی ناگزیر شده اند.^۵

يك نظر اجمالی به حاصل مجموعه این تلاشها نشان می دهد که تنظیم يك فرهنگ لغت حتی اگر صرفاً به منظور واژه گزینی و برابر یابی نباشد کار فردی چندان آسانی به نظر نمی رسد. سلیقه های شخصی گاه نمونه های خاص از این مجموعه ها به وجود آورده است، به طوری که خواننده حتی در پذیرفتن عنوان این گونه مجموعه لغات، نظیر فرهنگ، ترمینولوژی و... دچار تردید می شود. اما تردید بیشتر در پذیرفتن برابری است که برای لغات و اصطلاحات بیگانه گزیده شده است. بویژه در زمینه مفاهیم حقوقی که عدم انطباق کامل نظامهای حقوقی و نهادهای آن بیش از پیش، به مشکل بر گردان لغات بیگانه و معادل یابی در زبان

۱- کاتبی، حبیبی: فرهنگ حقوق فرانسه-فارسی، تهران، چهر ۱۳۳۷. ج ۱۳۶۵۰۳

۲- ابوالحمد، عبدالحمید و دیگران (گردآورندگان): فرهنگ اصطلاحات حقوقی

فارسی- فرانسه. ۲ ج. تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳، ۱۳۵۶

۳- کشاورز، بهمن: فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

۴- سپهوند، امیر: فرهنگ لغات حقوقی انگلیسی به فارسی. تهران، دهخدا، ۱۳۵۶

۵- به کتابهای زیر مراجعه شود:

ملك مدنی، اشرف: فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم اداری و مدیریت. تهران مرکز

آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۵۲

فرهنگ، منوچهر: فرهنگ علوم اقتصادی. تهران، نیل، ۱۳۵۶

آشوری، داریوش (ویراستار): واژگان فلسفه و علوم اجتماعی فرانسه - فارسی.

تهران، آگاه، ۱۳۵۵

فارسی افزوده است.

گاهی مشکل از اینجا سرچشمه می گیرد که به واسطه شباهت ظاهری دو تاسیس حقوقی در دو نظام، واژه هایی که برای نمایاندن آن بکار می رود معادل یکدیگر قلمداد می شوند. از این قبیل است برای مثال واژه mortmain در زبان انگلیسی و وقف در زبان فارسی که صرفاً به خاطر انتقال ناپذیری و حبس این گونه اموال، در برابر هم قرار گرفته اند، حال آنکه اثر حقوقی حبس در این دو نظام مختلف است. زیرا عناصر متشکله دیگری نیز در ماهیت حقوقی هر يك از دو عنوان دخالت دارند که به هیچوجه شباهتی هرچند ظاهری با یکدیگر ندارند.

گاهی به دلیل نبودن بعضی نهادهای حقوقی در نظام حقوقی کشورمان اصولاً معادل روشن و دقیقی برای چنین نهادهایی در زبان فارسی نمی توان یافت. این مشکل خاص زبان فارسی نیست، نظامهای حقوقی معاصر برای بیان تعبیرات حقوقی یکدیگر با دشواریهایی به مراتب بیشتر از ما دست به گریبان اند. برای مثال واژه trust در نظام حقوق انگلیس مانند مفاهیم بسیاری در این نظام جز با توضیح ساز و کار این تاسیس برای حقوقدانان فارسی زبان قابل درک نیست. بنابراین انتخاب واژه امین^۱ در برابر trustee خالی از اشکال نخواهد بود، سمت «تراستی» بیشتر از سمت يك نماینده و امین ساده است که در نظام حقوقی کشور ما حدود وظایف او شناخته شده است. شاید بکار بردن عین واژه لاتین در زبان فارسی اشکال کمتری در برداشته باشد، همان گونه که بکار بردن واژه هایی نظیر «دیه» و «ولایت» در زبانهای حقوقی کشورهای غربی بدون آنکه در صدد یافتن معادلی در زبانهای خود برای این قبیل کلمات بر آیند معمول است. اصولاً در حقوق انگلیس پاره ای عناوین نظیر ولایت قهری، حق انتفاع و... مفقود است.

مشکل واژه گزینی برای اصطلاحات و لغات بیگانه در رشته حقوق همان مشکلی نیست که سایر رشته های علمی نظیر علوم به تعبیری «دقیقه» با آن مواجه اند.

۱- فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی، بهمن کشاورز، ص ۲۲۱

حتی در پاره‌ای از رشته‌های علوم انسانی نظیر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی که به مطالعه تحقیقی پدیده‌های روانی و اجتماعی مستقل از اراده انسان می‌پردازند این گزینش با رعایت يك سلسله قواعد زبان شناختی و اندکی ذوق و ابتکار آنچنان دشواری به بار نمی‌آورد. و اصولاً مشکل زبان حقوق کمتر واژه‌گزینی است تا دقت در اجتناب از بکار بردن اصطلاحات و لغات معمول در ادبیات حقوقی فارسی در برابر تعبیرات به ظاهر همانند در زبانهای حقوقی بیگانه.

در سایر نظامهای حقوقی گاه شباهت الفاظ ممکن است حقوقدان را به اشتباه بیندازد و تصور نادرستی از يك مقوله حقوقی در ذهن او پدید آورد. برای مثال واژه قرارداد در حقوق انگلیس contract و قرارداد در حقوق فرانسه contrat که ظاهراً از يك ریشه لاتین contractus اشتقاق پذیرفته‌اند برای رساندن دو مفهوم مختلف و نزدیک به یکدیگر در هر دو زبان بکار می‌روند. به همین ترتیب واژه‌هایی مانند civil law در حقون مدنی انگلیس و droit civil در حقوق مدنی فرانسه و کلمات بی‌شمار دیگر فقط با عطف به يك مجموعه مفهومی در هر يك از این دو زبان قابل درک‌اند.

ملاحظه می‌شود که در تهیه حتی واژه‌نامه‌های پایان کتاب تا چه حد باید جانب احتیاط را رعایت کرد و تنها به آوردن معادل فارسی بسنده نکرد و حتی المقدور کوشش کرد با شرح مختصری معانی خاص و گاه متعددی که يك لغت بیگانه در بردارد توضیح داده شود؛ واژه حقوقی ممکن است در سطوح مختلف حتی در قلمرو خاص حقوق در معانی مختلف بکار برده شود. از آن جمله اصطلاحات exequatur, tutelle, capitulation و ... اصطلاح اخیر که در حقوق بین‌الملل خصوصی به روانانه ترجمه شده تصمیمی است مبنی بر اجرای حکم يك دادگاه بیگانه، همین واژه در حقوق بین‌الملل عمومی به معنای اجازه‌ای است که يك دولت به کنسول بیگانه می‌دهد تا به اجرای وظایف خود مبادرت کند. میان واژه و اصطلاح فرق بسیاری است. پیدا کردن معنی يك واژه به کمک

يك لغت نامه آسان است. اما در مورد اصطلاحات چنین نیست و مشکل با کتاب لغت حل نمی‌شود. اصطلاح نیاز به شرح و بسط دارد. يك اصطلاح حاوی معانی خاصی است که درك آن بسا یافتن معادل لغوی میسر نیست. متأسفانه مشکل اغلب فرهنگهای حقوقی فارسی زبان چنین است.

از سوی دیگر باید یادآور شد که تلاش گذشتگان در گزینش اصطلاحات فارسی به‌ویژه وقتی يك اصطلاح قبول عام پیدا می‌کند و در زبان علم جایی برای خود می‌یابد همواره باید ارج نهاده شود. اگر مزیت خاصی در انتخاب يك اصطلاح به جای اصطلاح متداول دیگر وجود ندارد بهتر آن است که از رواج اصطلاحات نامأنوس که موجب سرگردانی خواننده می‌شود جداً پرهیز شود. سالها در برابر اصطلاح *enrichissement sans cause* دارا شدن بدون علت^۱ بکار می‌رفت. اصطلاح استفاده بدون علت^۲ و استفاده بلاجهت^۳ و بعدها دارا شدن بلاجهت نیز مرسوم گردید. اخیراً اصطلاح ثروتمندی نامشروع^۴ نیز به این خانواده پرجمعیت افزوده شد و بیم آن می‌رود با ترکیبات دیگری نظیر ثروتمندی بدون علت و دارا شدن نامشروع و... این پراکندگی و آشفتگی همچنان ادامه یابد.

البته گاهی دیده می‌شود با تمام سعی و کوششی که گذشتگان برای جانداختن اصطلاحی در زبان فارسی کرده‌اند این منظور بنا به دلایلی به‌خوبی تأمین نشده است. برای نمونه کلمه فروختن در برابر بیع که فرهنگستان سابق برگزیده بوده دلیل ریزه کاریها و دقایقی که اهل فن به آن آگاهند و در کلمه بیع جمع است نتوانست جامه اصطلاحی ببوشد و از معنی لغوی فراتر رود. همین طور کلماتی مانند پاسگران در برابر ضابطین دادگستری و پایندگان در برابر کفیل و ضامن. در انتخاب

۱- از دکتر حسن امامی

۲- از دکتر حسن افشار

۳- فرهنگ اصطلاحات حقوقی فارسی - فرانسه تعبیر استفاده بلاجهت را به تبع ماده ۳۱۹ قانون تجارت پذیرفته است.

۴- مجمع الفات، ص ۱۱

اصطلاحات، ملاك پذیرش نیز شرط بقا به شمار می آید. بسیاری از واژه‌های حقوقی در زبان ما، بار معنایی ویژه‌ای پیدا نموده‌اند که واژه‌های همانند ساخته از این بار تهی‌اند. اصطلاح مسئول در زبان حقوقی مفهومی دارد که واژه‌های پاسخده^۱ و پاسخگو این مفهوم را نمی‌رسانند. و یا واژه فارسی مرده ریگ در برابر میراث، هر چند در زبان ادبی و یا سیاسی واژه‌ای دلنشین و خوشایند تصور شود، کمتر کسی از اهل فن حاضر است این واژه را بکار برد. بنابراین کاربرد این اصطلاحات به وسیله اهل علم و خواص بسیار تعیین کننده است.

با این مقدمه و شمردن بعضی مشکلات تنظیم فرهنگ لغات تخصصی اکنون به یکی از فرهنگهای لغات که اخیراً انتشار یافته نگاهی می‌افکنیم.

به کوشش «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» فرهنگ لغاتی به چهار زبان عربی، فارسی، فرانسه و انگلیسی تحت عنوان «مجمع لغات» یا فرهنگ مصطلحات به چاپ رسیده است که کمی بیشتر از ۳۰/۰۰۰ لغت و اصطلاح را در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی به ویژه اقتصاد، حقوق، آموزش و پرورش، جامعه شناسی در بر می‌گیرد. اصل این کتاب را آقای جروان سابق، محقق لبنانی به سه زبان عربی، فرانسه و انگلیسی در بیروت به چاپ رسانده است که اینک به همت آقایان دکتر آیت ... زاده شیرازی و دکتر آذرنوش استادان دانشگاه، ستون چهارمی مشتمل بر تعییرات و اصطلاحات فارسی در برابر لغات بیگانه به این دفتر اضافه شده است.

از آنجا که مترجمان محترم برای تهیه این فرهنگ زحمت فراوان کشیده‌اند و همان‌طور که در مقدمه کتاب به این نکته اشاره می‌کنند، گاه به دنبال معنای يك واژه به ادارات دولتی و منابع تخصصی می‌شتافتند، دریغ است به نکاتی چند که بکار بستن آنها در رفع عیوب این مجموعه لغات در چاپهای بعد كمك خواهد کرد اشاره نشود.

۱- همان‌طور که گفته شد بسیاری از برابر نهاده‌های فارسی در زبان حقوقی ما به‌خوبی جا افتاده است و دلیلی نیست که بار دیگر برای اصطلاحات حقوقی بیگانه که ماهیت آنها در ادبیات حقوقی ما شناخته شده است به‌جمل لغت بپردازیم. از این قبیل اند:

رویه قضائی در برابر jurisprudence به‌جای قضاوت دادگاهی یا قضاوت قانونی در صفحه ۱۲

اقدامات تأمینی در برابر mesures de sûreté به‌جای اقدامات احتیاطی در صفحه ۱۵ و اقدامات ایمنی در صفحه ۱۳۹

ورشکستگی به‌قلب در برابر banqueroute frauduleuse به‌جای اعلان ورشکستگی دروغین در صفحه ۲۶

کلاهبرداری در برابر escroquerie به‌جای دزدی از راه زدوبند و یا دوزوكلك در صفحه ۲۶

مالکیت ادبی در برابر propriété littéraire به‌جای حقوق طبع و نشر در صفحه ۴۰

دین یا تعهد اخلاقی در برابر obligation morale به‌جای تعهد ادبی در صفحه ۴۰

خیانت در امانت در برابر abus de confiance به‌جای سوءاستفاده از اطمینان کسی در صفحه ۵۳

آئین دادرسی کیفری در برابر procédure pénale به‌جای اصول قوانین جزا در صفحه ۹۱

کیفر انضباطی در برابر sanction disciplinaire به‌جای کیفر تادیبی در صفحه ۲۰۰

استرداد در برابر extradition به‌جای تحویل گناهکار به‌محاکم قانونی در صفحه ۲۲۹

بیمه اتکایی	در برابر	réassurance به جای بیمه اضافی در صفحه ۳۲۱
نفقه	در برابر	pension alimentaire به جای هزینه
طلاق در صفحه ۵۹۹		
کیفیات مخففه	در برابر	circonstances atténuantes به جای
شرایط مخففه در صفحه ۶۰۱		
کیفیات مشدده	در برابر	circonstances aggravantes به جای
شرایط تشدید کننده در صفحه ۶۰۱		
کیفر تکمیلی	در برابر	peine complémentaire به جای کیفر
اضافی در صفحه ۶۳۱		
دزدی باشکستن حرز	در برابر	vol avec effraction به جای دزدی با
اعمال عنف در صفحه ۷۳۱		
و ..		

۲- نسا یکسانی و یکنواخت نبودن واژه های فارسی در برابر واژه های همانند بیگانه که گاه خواننده را در پذیرش واژه درست دچار تردید می کند. برای مثال در برابر کلمه électoral در صفحه ۱۲۳ یکبار انتخابی و بار دیگر در ترکیبات همین کلمه، در همان صفحه انتخاباتی نهاده شده است که درست آن انتخاباتی است. و یا در برابر اصطلاح corpus delicti در صفحات ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۵۰ و ۶۴۰ تعبیرات گوناگونی نظیر مجنی علیه که جرم بر آن واقع شده، شخص یا چیزی که جرم بر آن واقع شود، شخصی که جنحه علیه او واقع می شود و سرانجام علت تامه يك جرم نهاده شده که درست آن برعه یا اثرمادی جرم است. همچنین در صفحات ۳۹۸ و ۵۴۰ در برابر société anonyme به جای شرکت بی نام یا شرکت سهامی که در صفحات ۲۰۱ و ۸۳۲ به درستی ضبط شده شرکت با مسئولیت محدود عنوان شده که البته با يك تعبیر ممکن است در مورد شرکتهای بی نام یا سهامی صدق کند. در تعبیر incendie volontaire که غالباً از آن آتش سوزی عمدی یا آتش زدن عمدی فهمیده

می‌شود در صفحه ۲۶ سوزاندن ضبط شده که نادرست است. صحیح این واژه یکبار در صفحه ۳۷۳ ذکر شده است. سوزاندن معنای لغوی لفظ bruler فرانسوی است که به درستی در صفحه ۳۷۱ بکار رفته است.

۳- بی‌دقتی در برگردان پاره‌ای اصطلاحات حقوق از زبان بیگانه که راه را برای اشتباهات عدیده‌ای باز گذاشته است. برای مثال در صفحه ۱۳۴ در برابر consignment de droits de douane اصطلاح امانت سپردن گمرکی آمده که معنی نمی‌دهد و درست آن وثیقه‌گزاری حقوق گمرکی یا تودیع عوارض گمرکی است که از اصطلاحات حقوق اداری است.

در صفحه ۲۵۲ در برابر droit de legislation قانون مدون ذکر شده که درست آن حق قانونگذاری است. تعبیراتی نظیر جرم، جنایت در برابر criminalité (صفحه ۱۶) نارساست که درست آن بزهکاری و تبهکاری است؛ بزه و بزهکاری دارای دو مفهوم مختلف‌اند. در صفحات ۴۷۰ و ۴۷۱ در مقابل traite des blanches عنوان تجارت برده سفید پوست آمده که ممکن است در کنار اصطلاح traite des blanches تجارت برده سیاه پوست معنای واقعی خود را آشکار نسازد. در اصطلاح حقوق جزای بین‌الملل تجارتی است که با فریفتن زنان به منظور فحشاء تحقق می‌یابد. از این رو، خرید و فروش زن شاید به این مفهوم نزدیکتر باشد^۱. و یا در صفحه ۴۲، ادعای معکوس در برابر demande reconventionnelle کمتر در زبان حقوق مصطلح است و به جای آن بیشتر دعوای متقابل و یا دعوای خوانده برخواهان بکار می‌رود.

پاره‌ای اصطلاحات حقوقی صرف نظر از معنای خاص خود دارای معنای

۱- دکتر جعفری لنگرودی در برابر این واژه معامله زنان را پیشنهاد کرده است (نگاه کنید به؛ معامله زنان، ترمینولوژی حقوق) اما از معامله زنان ممکن است استنباط‌های مختلفی شود. پروتکل اصلاحی قوانین بین‌المللی به منظور تأمین حمایت مؤثر علیه این گونه تجارت نیز، اصطلاح خرید و فروش زنان را بکار برده است. (نگاه کنید به؛ مجموعه قوانین دادگستری، سال ۱۳۳۷، ص ۴۴۵).

لفوی است. از جمله واژه capitulation که به معنای تسلیم است. بنابر این در عبارت la capitulation du Japon à la deuxième guerre mondiale که به فارسی کاپیتولاستون در کشور ژاپن طی جنگ جهانی دوم بر گرانده شده، منظور تسلیم ژاپن در جنگ جهانی دوم است. انتخاب واژه حجر هم در برابر internement خالی از اشکال نیست (صفحه ۳۶۲). حجر در حقوق مدنی معنای خاص دارد که در برابر incapacité و یا به مناسبت در برابر interdiction در زبان فرانسه بکار می‌رود. اما internement از اصطلاحات خاص حقوق جزاست و به معنای بازداشت و به ویژه نگاهداشت دیوانگان در تیمارستانها بر اساس گواهی سلامت روانی بکار می‌رود.

در صفحه ۲۱۲ در برابر juridiction contentieuse تعبیر بلند بالایی عنوان شده به این شرح: دخالت دادگاه در محاکمه متنازع فیه (حق دخالت میان متخاصمین) اما تعبیر مصطلح آن همان محاکم ترافمی است در مقابل juridiction gracieuse محاکمی که به امور حسبی رسیدگی می‌کنند.

در صفحه ۳۹۰، در برابر jugement passé en force de chose jugée که در آیین دادرسی حکم امر مختوم گفته می‌شود مثل بسیاری از اصطلاحات، ترجمه‌ای از زبان عربی ارائه شده که در زبان فارسی بی معنی است به این شرح: حکمی که بمنزله قدرت قضیه مورد دادرسی است.

۲- اشکال یافتن پاره‌ای لغات و اصطلاحات در فهرستهای پایان کتاب کم نیست و به نظر می‌رسد تطبیق آنها با صفحات کتاب به خوبی انجام پذیرفته است. برای مثال در فهرست فارسی زیر کلمه وکالت ارجات مختلفی به صفحات کتاب داده شده است که در مواردی (صفحه ۱۵ و ۱۷) این واژه را نمی‌توان در صفحات یاد شده یافت. در همین فهرست برای یافتن اصطلاح جرم مشهود تنها یکبار به صفحه ۶۹۲ ارجاع داده شده حال آنکه این اصطلاح را می‌توان در صفحه دیگری از کتاب یافت (صفحه ۳۴۰) فهرست لغات فرانسوی و انگلیسی هم نیز همین

اشکال را دارد. واژه dispositif در صفحه ۷۵۲ جایی در فهرست فرانسوی نیافته است و یا مثلاً واژه procedure با وجودی که بارها در لابلای صفحات این کتاب تکرار شده برای یافتن آن تنها به دو صفحه از کتاب ارجاع داده شده است.

۵- و سرانجام اغلاط چاپی کتاب که کار پیراستن آن را امری ضروری ساخته است. نمونه‌های آن فراوان‌اند. با این حال به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

صفحه ۷۰۷ که به نظر می‌رسد باید تجدید نظر کامل شود. کلمه defence در صفحه ۳۸۶، کلمه انفرادی به جای افرادی در صفحه ۳۶۱، ngligence در صفحه ۱۵۸، profonation در صفحه ۱۴۷ و موارد بی‌شمار دیگر....